

گفت‌وگو با مریم افسری؛ پژوهشگر و مجموعه‌دار گلیم سیرجان

نیاز به حمایت دارم

مگر یک شهر نمی‌تواند دو موزه داشته باشد؟

اینجا را با عشق باز کردم

بتول بلالی



در واپسین روزهای فروردین‌ماه ۱۴۰۴ بعد از بلوار عباسپور وارد شهرک صنعتی شماره‌ی یک شدم. نوک علامت فلش روی تابلوی قهوه‌ای رنگ سمت راست خیابان، جهت موزه‌ی زنده‌ی گلیم را نشان می‌داد. دوربرگردان دوم را دور زدم و وارد خیابان توسعه شدم. اولین بار نبود به اینجا می‌آمدم و این خیابان بن‌بست در خاترم مانده بود. پیاده‌رو و ورودی آموزشگاه پیچ و تاب و موزه‌ی زنده‌ی گلیم و قالی آب‌پاشی شده بود. خنکای نسیم بهاری، بوی نم و صدای موسیقی سنتی جذبه‌ی خاصی ایجاد کرده بود. داخل حیاط کف‌های ترازوی فلزی قدیمی با زنجیرهای آویزان بالا و پایین می‌شد. باد، ریشه‌های نخی تزیین شده با گلمپک (گل‌های درست شده با نخ‌های رنگی گلیم و قالی) را می‌رقصاند. از در و دیوار، گلیم و خورجین‌های قدیمی آویزان بود اما صدای فلزی امروزی با

روکش‌های پارچه‌ای مزین به نقش و نگارهای گلیم شیرکی‌بیج سیرجان هر بازدیدکننده‌ای را به نشستن و دید زدن دعوت می‌کرد.

مریم افسری؛ کارشناس ارشد پژوهش هنر با حوزه مطالعاتی و پژوهشی گلیم سیرجان، کارشناس فرش دستباف و صنایع دستی، مدرس دانشگاه، طراح، بافنده و تولیدکننده گلیم شیرکی‌بیج سال‌هاست یک فضای قدیمی از سال‌های نه‌چندان دور گلیم سیرجان تدارک دیده تا دل هر مخاطبی را به گذشته‌ها ببرد و ایده‌هایش را در زمینه‌ی گلیم شیرکی‌بیج سیرجان از چله‌کشی و رنگ‌ریزی گرفته تا طراحی، بافت، آموزش و فروش اجرا کند. راه‌اندازی موزه‌ی گلیم و قالی و دست‌بافته‌های عشایری و روستایی و آموزشگاه، فروشگاه و کافی‌شاپ توسط وی به منظور نمایش دادن مجموعه‌ای کامل از گلیم بوده است.

چندی قبل ویدیویی از خانم افسری در فضای مجازی منتشر شد. وی از عدم حمایت و بی‌مهری مسئولان سیرجانی گلایه می‌کرد و می‌گفت دیگر به کارم ادامه نمی‌دهم و تلاشی برای گلیم سیرجان انجام نمی‌دهم. همین موضوع دلیل صحبت با وی در عصر یک روز بهاری شد. یک ساعت قبل از گفت‌وگو تماس گرفت و گفت امروز به دلیل انجام کارهای قضایی مربوط

به مکان موزه، رمق صحبت کردن ندارد و بالاخره فرصت فراهم شد اما با صدایی که خسته و محزون بود و به سختی از سینه بالا می‌آمد. چشمانی که با حسرت به دور و بر موزه می‌چرخید و گاه هم سرخ و تر می‌شد و ذهنی که به ناکجاآباد فکر می‌کرد و به سوالاتم پاسخ می‌داد.

◀ ویدیویی از خودتان پخش کردید. دلیل آن چه بود؟

سه سال بعد از ثبت جهانی گلیم شیرکی‌بیج سیرجان، پیگیر راه‌اندازی موزه‌ی گلیم بودم. هنوز هیچ موزه‌ی گلیمی در سیرجان راه‌اندازی نشده بود. دارای مجوز مجموعه‌داری و موزه‌ی زنده در قالب بخش خصوصی بودم. اما جا و مکان نداشتیم. به مسئولان قول دادم که از عهده‌ی کار برمیایم. سال ۱۳۹۸ هرجایی را پیشنهاد دادم مسئولان همکاری نکردند و خندیدند. سال ۱۳۹۶ و طبق تفاهم‌نامه‌ی شرکت شهرک‌های صنعتی با مدیرکل وقت میراث فرهنگی کشور (بهمن نامور مطلق) مبنی بر حمایت صنایع کوچک از صنایع دستی، مکان کنونی را به بنده واگذار کردند. دکتر مکی‌آبادی، فرماندار وقت با مهندس رشیدی مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی سیرجان صحبت کرد و برای واگذاری مکان همکاری کردند. با هزینه‌ی شخصی خودم شروع کردم. از نان شبام زدم. زنجیر و انگشتر طلایم را